

حرم عشق کربلاست و چگونگی در بند خاک ماند آنکه پرواز آموخته است چگونگی از جان نگذرد، آنکه می داند جان بهای دیدار است. «شهید آوینی»

اینجانب عبدالحقیر العاصی مهدی طهماسبی فرزند عبدالکریم با یقین کامل و از عمق وجودم اقرار می کنم:

«اشهدانّ لا اله الا الله و اشهدانّ محمّد رسول الله و اشهد انّ علی ولی الله»

با شهادت به یگانگی خداوند متعال و با شهادت به نبوت حضرت خاتم محمد بن عبدالله (ص) و با شهادت به امامت

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و فرزندان طاهرینش تا مهدی موعود روحی فداه وصیت نامه خویش را آغاز می کنم.

خداوند حکیم را هزاران مرتبه شکر که در خانواده ای شیعه و داوزده امامی متولد شده ام. هزار و هزاران شکر که توفیق

پوشیدن لباس مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به من عطا شد و خدا را هزاران شکر که توفیق خدمت در کسوت مربی و

خدمت به سربازان امام زمان روحی فداه در قالب دانشجو به من عطا شد.

خدا را هزاران مرتبه شکر و سپاس که مجاور همسایه بی بی فاطمه معصومه سلام الله علیها شدم و در آخر خداوند متعال را

هزاران شکر که در عصر انقلاب و خمینی کبیر (ره) و زعامت امام سید علی خامنه ای زندگی می کنم.

نوشتن وصیت نامه هر چند بوی مرگ و جدایی می دهد ولی در واقع آماده شدن جهت زندگی ابدی است. لذا بوی زندگی

واقعی دارد نه زندگی کاذب. همچنین انسان را یاد خدای رحمان و مرگ و معاد می اندازد تا ذره ای به فکر اعمال و رفتار، گفتار

و نیات خویش باشد و دقیقاً به خاطر همین علت ها است که در آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام توصیه

به نوشتن وصیت نامه شده است. انگیزه اصلی ام در نوشتن وصیت نامه سفر دوباره ام به سمت خانم زینب کبری سلام الله علیها

و قرار گرفتن در زمره مدافعین حرم است. هر چند به خوبی واضح است که مثل منی لیاقت این مدال افتخار آمیز را ندارد ولی

چه می شود کرد که عادت این خانواده احسان و کرم است. «و عادتکم الاحسان و سجیتکم الکرّم...»

در این فاصله ۲ ماه و نیم از پایان سفر اول به سوریه تا این سفر سعی کردم بعضی از اعمالی که به نظرم مانع لطف و نظر خاص

خدای متعال و حضرت زینب کبری سلام الله علیها و رسیدن به مقام شهادت باشد را جبران کرده و در جهت رضای حضرت

حق بیشتر بکوشم.

البته هدف اصلی این نبرد برای من اول پیروزی، دوم پیروزی، سوم پیروزی و چهارم شهادت در راه خداست که در حقیقت

پیروزی نهایی در هدف چهارم است. به فرموده خدای متعال چه کشته شویم و چه بکشیم پیروزیم و این بزرگترین لطف

حضرت حق است که ما در همه حال پیروزیم و شکست برای ما بی معنی است.

بنا به فرمایش امام حسین علیه السلام انسان ها بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان. اما وقتی حوادث و امتحانات جدی پیش

می آید آن وقت «قلّت دیانا» دین داران اندک می شوند.

لذا به نظر بنده حقیر امروز هر کس به بهانه های مختلف نمی خواهد در این راه قدم بگذارد و جزو مدافعین حرم باشد، داوطلب نمی شود، دلش نمی تپد، تلاش نمی کند، خواب ندارد و دغدغه ندارد(حال آن بهانه هر چه می خواهد باشد اعم از زن، فرزند، پدر و مادر، زندگی، پول، درس و دانشگاه و ...) یقیناً اگر صحنه کربلا هم بود دقیقاً با همین بهانه ها کمکی به حسین علیه السلام نمی کرد.

این اعتقاد من است اگر چه ممکن است اشتباه کنم ولی این طور فهمیده ام. زیرا فریاد هل من ناصر ینصرنی ارباب متعلق به همه زمان ها است و کهنه نمی شود.

در این مسیر شبهات و تهمت های فراوانی به مدافعین حرم زده می شود اعم از گرفتن پول، مبارزه در راه بشار اسد، مبارزه در راه اعراب یا اینکه اگر وطن بود ما هم می رفتیم و... خیالی نیست وعده ما با همه این تهمت زندگان و شایعه سازان باشد با حضرت زهرا سلام الله علیها. اگر چه همه این شبهات و تهمت ها جواب های بسیار واضحی دارند که تا الآن بارها و بارها گفته شده اند. اگر من سراپا تقصیر را فاکتور بگیرم به نظرم مدافعان حرم از با بصیرت ترین افراد زمان حال ما هستند. زیاد شنیده ام که می گویند ۲ تا بچه داری چرا می خواهی بروی؟ طوری می گویند به خاطر بچه هایت نرو که انگار من معنی زن و بچه را نمی فهمم و بویی از عشق نبرده ام یا دلم از سنگ است!

اما به نظر من حقیر کاملاً بر عکس است. رزمندگان و مجاهدان در همه زمان هایی که زندگی کرده اند عشقشان و محبتشان به خانواده صدها برابر بیشتر از کسانی است که ادعای فهمیدن بچه و زن و پدر و مادر و اقوام دارند. ادعای عشق و عاشقی دارند اما در این میان نکته ای وجود دارد که این قدر راحت از همه چیز دل می کنند.

عشق من به همسر عزیزم و فرزندانم و پدر و مادرم و اقوام با وجود همه شیرینی و لذت در مقابل عشق به ذات اقدس حق عشق به آقا رسول الله، امیرالمؤمنین و در یک کلام عشق به همه اهل بیت عصمت و طهارت پیشیزی ارزش ندارد.

اگر عشق به خانواده هست که هست در راستای همان عشق های واقعی است و لاغیر. راز دل کندن سریع و آسان از همه چیزهای اعتباری همین است و بس. اگر عشقمان به خانواده هم زیاد است به خاطر توصیه های همین عشق های واقعی است که محبت به خانواده را توصیه کرده اند.

والله والله بنده هیچ نگرانی و سر سوزن دلواپسی برای همسر و فرزندانم و پدر و مادرم ندارم که بعد از من چه می کنند. زیرا اگر آنها در خط حق و خط اهل بیت و ولایت باشند پس یقیناً اهل من هستند و خداوند متعال وعده داده که خودش خون بهای شهید است و حال کدام یک از مدعیان جرأت دارد قیمتی بر این خون بها بگذارد که قرار است به اهل من برسد. و اگر زبانم لال در مسیر الهی قدم بر ندارند و نسبتی هم با من نخواهند داشت. طبق فرمایش حضرت آقا و مولایم سید علی خامنه ای شهادت مرگ تاجرانه است. به هر حال دیر یا زود باید از این دنیا رفت و چه بهتر که به این طریق این انتقال صورت بگیرد.

البته برخی فکر می کنند که اگر به این سفر نمی رفتم الآن سالم بودم و می دانم قطعاً به همسر و پدر و مادرم هم خیلی طعنه خواهند زد. جواب این افراد یاوه گو همان جواب قرآن است که اگر قرار بود مرگ من الآن فرا برسد، من اگر در خانه هم بودم با پای خودم به قتلگاه می رفتم. پس این سفر قرار نیست لوح ازلی حق را دچار تغییر و نقصان کند. بلکه همه چیز در راستای حکمت خداوند متعال است.

رهبری در این زمان بسیار مظلوم هستند و خیلی از کسانی که روزگاری در کنار امام راحل بودند (البته به ظاهر) الآن رهبری را تنها گذاشته اند و نظرات گستاخانه خودشان را در مقابل نظرات صریح رهبری بیان می کنند. اینها سعی می کنند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند، زهی خیال باطل. خداوند بهتر می داند که رسالتش را کجا قرار دهد.

لذا عاجزانه از همه خانواده ام به طور خاص و همه دوستان و همه کسانی که صدای من به گوششان می رسد این است که در خط و مسیر ولایت مطلقه فقیه باشید تا این انقلاب آسیبی نبیند.

حضرت آقا در طی سفرشان در سال ۸۹ به شهر مقدس قم در دیدار با طلاب فرمودند که دشمنان انقلاب فهمیده اند که آنتی تر انقلاب در درون حوزه های علمیه است. این را خودشان را هم نفهمیدند و برخی از داخلی ها به آنها فهمانده اند. و بارها و بارها نیز مسئله نفوذ را بیان کرده اند.

لذا از همه دوستان، اقوام، همکاران، خانواده و همه ملت ایران و همه ملت های آزادی خواه جهان عاجزانه تقاضا دارم با بصیرت کامل قدم جای پای رهبری بگذارند و به عناوین اعتباری دیگر نظیر سردار، آیت الله، مرجع تقلید و ... که خدای نکرده در این مسیر نیستند توجهی نکنند.

همه ما مسئولیم و خداوند نیز هیچ قوم و خویشی با ما ندارد و اگر خدای نکرده این انقلاب توسط نا آگاهان و کج فهمان ضربه بخورد این اسلام عزیز تا سالها نمی تواند قد علم کند و یقیناً مهم ترین سؤالی که در قیامت از ما خواهند پرسید همین نعمت خواهد بود.

در پایان خاضعانه اعتراف می کنم که روسیاه و گنهکارم و واقعاً و بدون تعارف هیچ چیزی در اعمال و رفتارم ندارم که دلم را به آن خوش کنم و واقعاً خود را تهیدست می بینم و فقط چشم امیدم، لطف حضرت حق و اهل بیت عصمت و کرامت است که دستم را بگیرند. در جایی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند «آه من قلّه الزاد و طول الطریق و بعد السفر و عظیم الموعود».

که اگر مشیتش تعلق گیرد ان شاءالله شامل حال گنهکارانی مثل من شود.

از همه کسانی که مرا می شناسند عاجزانه طلب می کنم این حقیر سراپا تقصیر را حلال کنند و اگر با رفتار، گفتار و ... باعث رنجش خاطر آنها شده ام شدیداً عذر خواهی کرده و التماس دعای خاص دارم.

ضمناً به حرمت این آشنایی اگر چه به لطف خدا نماز و روزه قضایی بر گردنم نیست ولی به رسم رفاقت اگر می توانید یک روز نماز و یک روز روزه برای من قضا کنند شاید به مدد اخلاص شما و عمل شما کمبود اعمال من حقیر جبران شود.

از همه عاجزانه تقاضا دارم در فراغ من جزع و فرع زیادی نکنید که باعث خوشحالی دشمنان اسلام بشود. اگر قرار است گریه ای باشد و سینه ای زده شود حتماً به یاد مصائب اباعبدالله الحسین علیه السلام و اهل بیت طاهرینش باشد که در این مسیر هر چقدر گریه کنید جا دارد.

مواظب باشید با حرکات و رفتار تان دشمن شاد نشویم. زیرا دشمن اصلی ما یعنی صهیونیست جهانی و آل سعود (آل یهود) به این مراسمات توجه دارند و با حزن ما شادی می کنند. همه را به صبر سفارش می کنم. ان شاءالله صبح ظهور نزدیک است. از همه خواهران و همسر، مادر و زنان فامیل و همه زنان ایران اسلامی می خواهم که احترام چادر به عنوان حجاب برتر اسلامی را نگه دارند و محجبه باشند، همانطور که یقین دارم هستید و بدانید که من و امثال من می رویم تا چادر از سر شما نیافتد. دوست دارم حتما در شهر مقدس قم دفن شوم. یا در گلزار شهدای علی بن جعفر (ع) تا در دهه محرم قبرم میزبان عزاداران اباعبدالله الحسین (ع) باشد یا در کنار شهدای گمنام فاطمیون و مدافع حرم در بهشت معصومه (س).

حتماً در قبرم مقداری تربت کربلا بگذارید. کفنم را از کربلا گرفتم. اگر بشود لباس مشکیم که زمان ورود به سپاه در هیات عزاداری پوشیده ام مزین به نام حضرت ابوالفضل (ع) است را تتم کنید تا قبرم بوی حسین (ع) بگیرد. حتما در تشییع جنازه ذکر حسین ع برقرار باشد.

هرکسی با هر وضعیتی در تشییع جنازه من آمد و شرکت کرد ایرادی ندارد، همه مهمان هستند و احترامشان واجب است هیچکس را با هیچ بهانه ای از در خانه نرانید همانطور که در عزای اباعبدالله الحسین (ع) هرکس با هر وضعیتی شرکت می کند.

الهی قلبی محجوب و نفسی معیوب و عقلی مغلوب و هوایی غالب و طاعتی و معصیتی کثیر و لسانی مفر بالذنوب. فکیف حیلتی یا ستار العیوب و یا علّام الغیوب و یا کاشف الکروب. اغفر ذنوبی کلها به حق محمّد و آل محمّد (صلی الله علیه و آله و سلّم). یا غفار یا غفار یا غفار یا ارحم الراحمین.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما. خامنه ای امام، مرجع عالی مقام به لطف خود نگهدار. رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما. دیدار روی مهدی نصیب ما بگردان. آمین یا ربّ العالمین

الحقیر العاصی مهدی طهماسبی

۹۵/۳/۹ . قم المقدسه